



کتابخانه افروز

ما در مدرسه‌ی افروز اعتقاد داریم که فرهنگ، مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌های فردی و مدنی پیوندی گستاخانه با آموزش دارند. به باور ما کلاس درس فقط فضایی برای کسب دانش نیست؛ این هدف با پرورش مهارت‌های اجتماعی و کسب دانش هم تنبیده و تفکیکناپذیرند. موضوع کلاس درس هرچه باشد - ریاضی یا علوم اجتماعی - امکانی است برای تمرین مهارت‌های اجتماعی با دانشآموزان و به عقیده‌ی ما ارتقای این مهارت‌ها اگر مهم‌تر از افزایش علم و دانش کودکان و نوجوانان نباشد، از آن کم‌اهمیت‌تر نیست. به همین منظور قصد داریم با برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌هایی در مدرسه‌ی افروز، بازی‌ها و فعالیت‌هایی عملی برای کودکان و نوجوانان معرفی کنیم، درباره‌ی مهارت‌ها و روش‌های تسهیلگری این مفاهیم در کلاس درس به بحث و گفت و گو پردازیم، و راهکاری‌ی عملی برای پیاده‌سازی این مفاهیم در کلاس درس را با هم تجربه کنیم.

مدرسه‌ی افروز دو اصل «آموزش مشارکتی» و «کاربردی بودن مطالب» را سرلوحه‌ی فعالیت‌های خود قرار داده و دوره‌های آموزشی را به گونه‌ای تدوین کرده است که همگام با معرفی هر مفهوم نظری، نحوه‌ی انتقال آن به دانشآموزان هم به بحث و گفت و گو گذاشته می‌شود. امیدواریم با تمرکز بر مهارت تسهیلگری، و هم‌فکری و گفت و گو درباره‌ی آن بتوانیم راهکارها و شیوه‌هایی جدید و کاربردی و خلاق پیدا کنیم تا از این طریق تمرین مهارت‌های اجتماعی و بالا بردن میزان مشارکت دانشآموزان در کلاس درس محقق شود. ما در مدرسه‌ی افروز بر این باوریم که می‌توان با چشم‌انداز «جامعه‌ی فردا را با هم بسازیم» از فرصت‌های موجود در کلاس درس بهره جست و برای تبدیل دانشآموزان به شهروندانی آگاه و مؤثر کوشید.

(در صورت استفاده از منابع افروز، لطفاً ذکر منبع را فراموش نکنید. متشرکریم)

سازماندهی یک گفت‌وگوی انتقادی

متن زیر، ترجمه‌ی بخشی از فصل هشتم کتاب «تدریس برای تفکر انتقادی»^[۱] نوشته استفان بروکفیلد^[۲] است.

ترجمه: گروه آموزش مدرسه افروز

پیش از پرداختن به این فصل باید به این نکته اشاره کنیم که نویسنده در این کتاب پیشفرض‌های موجود در ذهن انسان را به سه دسته تقسیم می‌کند و برای هر کدام تعریفی ارائه می‌دهد.

۱- **پیشفرض‌های علی (سببی)**: مفروضات ما درباره‌ی چگونگی رخدادها؛ اینکه چه‌طور می‌توانیم رخدادها و فرآیندها را بهبود بخشیم (یا باعث و خامت اوضاع و رخدادها شویم، اما اغلب ما به بهبود اوضاع تمایل داریم. به این معنا که اگر X سبب Z باشد، پس هر تغییری در X می‌تواند Z را تغییر دهد) این تغییر در همان مسیری است که X تمایل دارد).

۲- **پیشفرض‌های تجویزی**: مفروضات ما درباره‌ی «باید»، آنچه فکر می‌کنیم «باید» انجام شود یا تحقق یابد؛ درباره‌ی اینکه عمل خوب و صحیح کدام است.

۳- **پیشفرض‌های پارادایمی**: آن دسته از مفروضات کلی که جهان‌بینی ما را شکل می‌دهند. در بیشتر موارد چندان روشن و واضح نسبت به این نوع پیشفرض‌ها آگاه نیستیم، با این حال پیشفرض‌های پارادایمی آن چارچوبی را می‌سازند که بر مبنای آن جهان را درک می‌کنیم. این‌ها سخت‌ترین نوع پیشفرض‌ها برای شناسایی و تغییر است اما هنگامی که مفروضات پارادایمی‌مان را تغییر می‌دهیم، همه‌ی ابعاد زندگی‌مان تغییر می‌کند.

با ارائه‌ی این تعاریف، مطالعه‌ی فصل هشتم کتاب را آغاز می‌کنیم.

گفت‌وگوی انتقادی در عمل به چه معناست؟

راه‌های مختلفی برای پاسخ به این پرسش وجود دارد. یک راه بر محتوای بحث (موضوع گفت‌وگو) تمرکز دارد و دیگری بر روندی که در گفت‌وگو دنبال می‌شود تأکید می‌کند. آنجا که تمرکز بر تحلیل سنجش‌گرانه‌ی محتوا معطوف است، حداقل شرایط زیر برای تحقق یک گفت‌وگوی انتقادی لازم است.

- این نوع تحلیل بر شناسایی پیشفرض‌ها تمرکز دارد. پیشفرض‌های خود، پیشفرض‌های دیگران، مفروضات معلم و هم چنین پیشفرض‌های بارز در محتوا. بعضی از این مفروضات ضمنی و بعضی صریح هستند. بعضی از آن‌ها علی، برخی تجویزی و برخی دیگر پارادایمی هستند.

- بعد از شناسایی پیشفرض‌ها، گفت‌وگوی انتقادی بر سنجش میزان صحت و اعتبار این پیشفرض‌ها متمرکز می‌شود.

- علاوه بر این، گفت و گوی سنجشگرانه تلاش می‌کند تا اعتبار بستر و زمینه‌ای را که پیش‌فرض بر مبنای آن شکل گرفته است، شناسایی کند. اینکه یک پیش‌فرض در چه شرایطی معتبرتر است، اعتبار کمتری دارد یا فاقد اعتبار است.

- هنگامی که یک گزاره فراتر از تجربه‌ی یک فرد تعمیم داده می‌شود، اعضای گروه تلاش می‌کنند تا شواهدی برای این کلیت‌بخشی پیدا کنند.

- اعضای گروه شواهد و پیوندهای عنوان شده را در قالب یک زنجیره‌ی استنتاجی ثبت می‌کنند. این زنجیره به یک نتیجه‌گیری اشتراکی در گروه می‌انجامد که اکثریت گروه بر سر آن به توافق رسیده‌اند.

- اعضای گروه پیوسته تلاش می‌کنند دیدگاه‌های مختلف و متنوعی درباره‌ی موضوع بحث طرح کنند و بحث درباره‌ی هر دیدگاه را به آن جا برسانند که چیزی ناقص و ناگفته باقی نماند.

- اعضای گروه نسبت به پیامدهای تفکر گروهی و پدیدار شدن هرگونه نتیجه‌گیری زودهنگام هوشیار هستند.

آنجا که گفت و گوی انتقادی بر روند گفت و گو - روش‌هایی که می‌توان از آن‌ها برای ساختار بخشیدن به مکالمه‌ها استفاده کرد - تمرکز دارد، هدف اصلی به کار بردن راه‌ها و الگوهایی است که به واسطه آن‌ها دامنه وسیع و متنوعی از دیدگاه‌ها بیان و شنیده می‌شوند، همه حاضران برای مشارکت مجال می‌یابند و فرصت‌ها و فواصلی برای تعمق و بازاندیشی فراهم می‌آید. به این ترتیب برای قضاوت در این باره که آیا گفت و گو به تفکر انتقادی منجر می‌شود یا خیر می‌توان معیارهای زیر را در نظر گرفت.

- ساختارهایی در نظر گرفته شده تا اطمینان حاصل شود که هر یک از اعضای گروه - فارغ از اینکه برای مشارکت در بحث تلاش می‌کند یا نه - به اندازه‌ی دیگران فرصت دارد در بحث مشارکت کند.

- برای جلوگیری از مسلط شدن یک فرد یا گروهی از افراد بر روند گفت و گو از روش‌هایی مانند محدودیت زمانی استفاده می‌شود.

- هیچ ضرورتی برای واکنش بی‌درنگ به اظهار نظرهای دیگران احساس نمی‌شود. گروه در وقفه‌های کوتاهی که برای تأمل و بازاندیشی در نظر گرفته شده سکوت می‌کند. این وقفه‌های خاموش برای تفکر سنجش‌گرانه ضروری و حیاتی‌اند.

- اعضای گروه پیوسته برای شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه‌های مطرح شده و برقراری پیوندی میان آن‌ها تلاش می‌کنند.

- قدرت در گروه چرخشی است تا هیچ فرد یا گروهی با هدف کنترل گفت‌و‌گو در مرکز گفت‌و‌گو قرار نگیرد.

- هر گاه ایده یا مفهومی جدید به گفت‌و‌گو اضافه می‌شود، اعضای گروه تلاش می‌کنند با ارائه مثال آن نکته را به جریان گفت‌و‌گو پیوند دهند.

- اعضای گروه گوش کردن فعال را بخش مهمی از ارتباط مؤثر می‌دانند و به صورت فعال به یکدیگر گوش می‌دهند.

تمرین‌های گروهی برای پرورش تفکر انتقادی

در این بخش تمرین‌هایی برای پرورش روش‌هایی که پیش‌تر مطرح شد، ارائه می‌شود. تعدادی از تمرین‌ها بیشتر روی تحلیل سنجش‌گرانه‌ی محتوا تمرکز دارند و بعضی دیگر روی ایجاد فضایی تأکید می‌کنند که امکان شنیده شدن طیف متنوعی از نظرها و تفکرات را فراهم آورد. در حالت ایده‌آل، این تمرین‌ها هم به روند گفت‌و‌گو می‌پردازند و هم به محتوای گفت‌و‌گو.

حلقه صدایها

یکی از تمرین‌های مورد علاقه‌ی من که معمولاً در شروع فعالیت‌های گروهی به کار می‌برم تمرین «حلقه صدایها» است. این تمرین، دو هدف اصلی دارد: اینکه قبل از تصمیم‌گیری زودهنگام، همه اعضای گروه فرصت کنند درباره موضوع صحبت و در گفت‌و‌گو مشارکت کنند و صدای همه شنیده شود. هدف دیگر تأکید بر اهمیت گوش دادن فعال است تا گفت‌و‌گو به خودی خود بسط یابد و پیوسته به آنچه در ابتدای گفت‌و‌گو عنوان شده بود رجوع کند، در آن‌ها بازنگری کند، به آن‌ها بیفزاید و آن‌ها را بپرورد.

در این تمرین، شرکت‌کنندگان به گروه‌های پنج نفره تقسیم می‌شوند و یک پرسش در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. گروه‌ها سه دقیقه وقت دارند که در سکوت به موضوع گفت‌و‌گو فکر کنند و افکار و پاسخ‌های خود را سازمان دهند. در این سه دقیقه همه به آنچه می‌خواهند در حلقه‌ی صدایها بگویند فکر می‌کنند. فرصت فکر کردن در سکوت نه فقط برای این تمرین، که به طور کلی برای هر تمرین تفکر انتقادی ضروری است. این در حالی است که رویکرد غالب در گفت‌و‌گوهای کلاسی بر طرح یک پرسش و درخواست از دانش‌آموزان برای پاسخ فوری استوار است.

فرآیند رها شدن از پیش‌فرض‌ها، پردازش داده‌ها و خلق چشم‌اندازهای نوین بسیار پیچیده است. اگر انتظار داریم که افراد از پیش‌فرض‌های ذهنی‌شان فراتر روند و دیدگاه‌های جدید خلق کنند، باید برای طی کردن این فرآیند پیچیده فرصت داشته باشند تا در سکوت فکر کنند.

بعد از این سه دقیقه سکوت، بحث در هر گروه با اولین دور مکالمه شروع می‌شود. هر کدام از اعضای گروه حداکثر یک دقیقه فرصت دارد که به پرسش طرح شده، جواب بدهد. طی مدتی که فرد صحبت می‌کند، سایر اعضای گروه اجازه مداخله یا اظهار نظر ندارند. دور اول مکالمه در گروه به نوعی مانند زنجیرهای از مونولوگ‌های کوتاه است که ممکن است برای یک گفت‌وگوی گروهی عجیب به نظر برسد، ولی این تک‌گویی‌ها برای بخش دوم تمرین لازم هستند.

بعد از اینکه هر کدام از اعضای گروه از نوبت یک دقیقه‌ای خود استفاده کرد، گفت‌وگو به شیوه‌ای روان‌تر و آزادتر ادامه می‌یابد. در این زمان از دو مین قانون استفاده می‌شود. شرکت‌کنندگان تنها می‌توانند درباره‌ی آن دسته از اندیشه‌ها و انگاره‌هایی اظهار نظر کنند که در مونولوگ‌های یک‌دقیقه‌ای دور قبل مطرح شده بود. بسط ایده‌ها و اظهار نظرهای شخصی ممنوع است، اعضای گروه فقط می‌توانند به صحبت‌ها و ایده‌پردازی‌های دیگران در دور نخست واکنش نشان دهند. تنها استثنای این قانون زمانی است که یکی از شرکت‌کنندگان از دیگری می‌خواهد نظرش را با جزئیات بیشتری بیان کند.

یکی از مزایای مهم استفاده از حلقه صدای برای شروع بحث جمعی این است که از مسلط شدن عده‌ای خاص بر بحث جلوگیری می‌کند. افراد خجالتی یا درون‌گرا، افرادی که به خاطر تجربه‌های ناخوشایند به کلاس -یا به فضای گفت‌وگو- اعتماد ندارد، یا آن‌ها که گفت‌وگو در کلاس را به چشم فرصت دیگری برای معلم‌ها -یا گرداننده بحث- می‌بینند که آن‌ها را تحت فشار بگذارد، معمولاً در بحث‌های کلاسی ساكت می‌مانند. هرچه مدت سکوت و انفعال این افراد طولانی‌تر شود، صحبت کردن در جمع برای آن‌ها سخت‌تر می‌شود. در مقابل، در حلقه صدای هر کدام از حاضران دست کم یک بار در ابتدای گفت‌وگو شنیده می‌شود.

پاسخ دایره‌وار

این تمرین در دهه ۱۹۳۰ توسط آموزشگری به نام ادوارد لیندمان^[۴] برای کمک به انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی طراحی شد تا فعالیت‌هایشان را اولویت‌بندی و مسایل اساسی‌شان را حل و فصل کنند. هدف این فعالیت -مانند حلقه صدای‌جایان داشتن گفت‌وگو در بستری دموکراتیک، ترویج تداوم و پیوستگی در گفت‌وگو و فراهم آوردن بستری است که فرد در آن گوش دادن همراه با احترام را تجربه کند. برای انجام این تمرین افراد دایره‌وار دور هم می‌نشینند، طوری که همه بتوانند هم‌دیگر را ببینند. این تمرین در بهترین حالت با ۸ تا ۱۲ شرکت‌کننده اجرا می‌شود.

این فرآیند هم مانند حلقه صداها دو دور گفت و گو هر کدام از اعضای گروه یک دقیقه وقت دارد تا نظر خود را درباره سؤال یا موضوعی که همه بر سر آن به توافق رسیده اند، بیان کند. همه شنوندگان موظف اند به گوینده گوش دهند و به هیچ عنوان صحبت او را قطع نکنند. وقتی صحبت اولین نفر تمام شد، نوبت به فردی می رسد که سمت چپ او نشسته است. نفر دوم نمی تواند درباره هرچه دوست دارد صحبت کند. او باید اظهار نظرهای فرد قبلی را در نظر بگیرد، به صحبت های او ارجاع دهد و آن ها را سرآغاز و سنگ بنای صحبت ها و اظهار نظرهای خود قرار دهد. این ارجاع الزاماً به معنای موافقت یا تأیید نیست، نفر دوم می تواند صحبت هایش را با بیان اختلاف نظری که با فرد قبلی دارد آغاز کند. آنچه اهمیت دارد این است که صحبت های هر فرد باید مبنای صحبت های نفر بعد از او باشد. این روش آنقدر تکرار می شود تا تمام اعضای حلقه درباره آنچه گوینده ای قبل از خودشان توضیح داده اظهار نظر کند. این فرآیند در مبداء خود به پایان می رسد؛ یعنی گوینده ای که حلقه را آغاز کرده آخرین نفری است که به اظهار نظرهای فردی که کنارش نشسته پاسخ می دهد. وقتی حلقه یک بار به این صورت چرخید، بحث آزاد شروع می شود. این دور از گفت و گوها هیچ قانون و محدودیتی ندارد. افراد می توانند از یکدیگر درباره ای اظهار نظرهایی که در دور اول صحبت ها داشتند سؤال کنند، اظهار نظرهایشان را بسط بدهنند یا ایده های جدید مطرح کنند.

هریار که این تمرین را اجرا می کنم، متوجه می شوم که هر کدام از اعضا کنجدکاو است که ببیند اظهار نظرهایش چه طور مبنای حرف ها و اظهار نظرهای نفر بعد قرار می گیرد و چه پاسخ هایی دریافت می کند. آن ها سراپا گوش می شوند تا به صحبت های کسی که در حال پاسخ به نظر آن هاست گوش دهند. این اتفاقی است که تنها در بحث های دو نفره و رو در رو رخ می دهد و برجسته می شود. دایرہ پاسخ به نوعی مانند تالارهای گفت و گوی آنلاین است، با این اختلاف که در اینجا ارتباط در لحظه، منظم و رو در رو برقرار می شود. برخلاف بحث های آنلاین، لازم نیست ساعت ها یا روزها برای دریافت بازخورد از سوی طرف گفت و گو منتظر ماند. به عقیده من، دایرہ پاسخ فقط یک تمرین مقدماتی برای گفت و گو نیست. اجبار به واکنش بی درنگ نسبت به اظهار نظرهای دیگران در اغلب افراد اضطراب ایجاد می کند. برای پایین آوردن این اضطراب، معمولاً به شرکت کنندگان مهلت می دهم تا قبل از اینکه به اظهار نظر دیگری پاسخ دهند، چند لحظه فکر کنند. آن ها مجبور نیستند بلا فاصله بعد از صحبت نفر قبلی شروع به صحبت کنند. علاوه بر این، برای آن ها روشن می کنم که اگر نمی توانند به پاسخی در برابر نظر گوینده ای قبلی فکر کنند، همین را بیان کنند، در این صورت باید توضیح دهند که چرا نمی توانند میان آنچه بیان شده و نظر خودشان پیوندی برقرار کنند؛ برای اینکه تجربه ای مشابه با آن شرکت کنندگان ندارند؟ با زبان و دایرہ واژگانی که او استفاده کرده نآشنا هستند؟ یا بخشی از استدلال طرف مقابل برایشان قابل فهم نبوده؟

این تمرین را استیون ریپ^[۶]، یکی از شاگردانم در کلاس توسعه‌ی سازمانی در دانشگاه سنت توماس^[۷] معرفی کرد. گچ‌گویه روشی صامت و بصری برای درگیر شدن در بحث بدون سخن گفتن است. مدت زمان اجرای این فعالیت محدودیتی ندارد. من معمولاً از این روش به صورت طوفان‌های ۱۰ دقیقه‌ای به عنوان یک مرحله‌ی آماده سازی برای ورود به گفت‌و‌گو استفاده می‌کنم. علاوه بر این، این روش برای بیرون کشیدن نگرانی‌ها و دغدغه‌های اعضای یک مؤسسه یا نهاد قبل از شروع بحث اصلی مناسب است. توضیح گام به گام این تمرین به شرح زیر است:

- ۱- تسهیلگر دایره‌ای را روی تخته ترسیم می‌کند و وسط دایره یک سؤال می‌نویسد. مثلاً می‌نویسد «فرضیه‌های مدل آموزشی بروکفیلد برای تفکر انتقادی چیست؟» و تعدادی گچ کنار تخته سیاه می‌گذارد.
- ۲- سپس به شرکت‌کنندگان توضیح می‌دهد که این فعالیت صامت است و هر وقت آماده بودند به پرسش پاسخ دهند، می‌توانند نظر خود را روی تخته بنویسند. علاوه بر پاسخ به سؤال اصلی می‌توانند به اظهار نظرهای دیگران هم پاسخ دهند، از نظرهای مطرح شده سؤال بپرسند، به دیگر پرسش‌های طرح شده جواب بدهند، یا اگر میان آنچه روی تخته نوشته شده است پیوند و ارتباطی می‌بینند آن‌ها را به هم پیوند دهند.
- ۳- زمانی که افراد آمادگی داشته باشند، داوطلبانه از جای خود بلند می‌شوند و آنچه را در ذهن دارند روی تخته می‌نویسند. گاهی مدتی طول می‌کشد تا بالاخره یک نفر از جای خود بلند شود و گاهی میان مشارکت افراد سکوت برقرار می‌شود.
- ۴- تسهیلگر هم در این فرآیند شرکت دارد، نظر خود را می‌نویسد، نوشته‌ها را به هم ربط می‌دهد، و اگر از یکی از شرکت‌کننده‌ها سؤالی دارد آن را روی تخته می‌نویسد.

۵- وقتی که سکوت طولانی شد و کسی داوطلب نوشتند نشد، تسهیلگر از همه می‌پرسد که کارشان تمام شده یا نه؟ اگر همه تأیید کردند که کارشان تمام شده و نظری گفته نشده باقی نماند، درباره‌ی نوشته‌های روی تخته گفت‌و‌گو می‌کنند.

من این تمرین را به دلایل زیادی دوست دارم. یکی اینکه که بیراهه نمی‌رود و نتیجه‌ای غیر از آنچه پیش‌بینی می‌شود به دست نمی‌آید. دیگر این که میزان مشارکت در آن بالاتر از زمانی است که به شیوه‌ی معمول سؤالی را در کلاس مطرح می‌کنم و از شرکت‌کنندگان می‌خواهم نظر بدهند.

در این تمرین معمولاً ۱۰ دقیقه اول، بیشتر از نصف دانشآموزان در فعالیت شرکت می‌کنند در حالی که در بحث‌های گروهی عموماً ۱۰ درصد دانشآموزان فعال هستند و بحث را در اختیار می‌گیرند. علاوه بر این، این فعالیت با برقراری سکوتی طولانی‌تر، به افراد درون‌گرا هم فرصت می‌دهد تا افکار خود را نظم دهند و بیان کنند. شاید فرد درونگرا نگران این باشد که موقع نوشتن روی تخته همه او را تماشا می‌کنند. اما از این بابت جای نگرانی نیست چون معمولاً در این تمرین چند نفر با هم پای تخته مشغول نوشتن هستند، و این باعث کناره‌گیری درونگراها نمی‌شود.

خطا را پیدا کن

در این تمرین تسهیلگر یا معلم به دانشآموزان اعلام می‌کند که در بخش‌هایی از بحثی که قرار است انجام شود، او مسایلی را مطرح می‌کند که اشتباه هستند و خودش به اشتباه بودن آن‌ها آگاه است. این مطلب نادرست ممکن یک واقعیت نادرست و حقیقت وارونه، یا یک سوءتفاهم مفهومی باشد. حتی ممکن است به صورت موافقت با استدلال نادرست یکی از شرکت‌کننده‌ها بیان شود، یا تأیید نظری باشد که ادعایی بی‌پایه و اساس را به عنوان یک واقعیت مسلم جا می‌زند، یا ارجاع به سندی ناموجه و غیرمستدل باشد، یا حتی چیزی باشد به سادگی اشتباه در به کار بردن نام نویسنده یک کتاب. در پایان بحث دانشآموزان ۳۰ ثانیه وقت دارند تا خطاهای معلم در طول بحث را به‌طور ناشناس روى یک برگ کاغذ بنویسند. تسهیلگر همه‌ی کاغذها را جمع می‌کند و تعدادی از آن‌ها را با صدای بلند می‌خواند. با خواندن هر گزینه‌ی مطرح شده، درستی یا نادرستی آن را بیان می‌کند.

سکوت هدفمند

کمی قبل تر تأکید کردم که فرصت‌های سکوت بخش جدایی‌ناپذیر هر فعالیتی است که به‌طور جمعی و با هدف کشف پیش‌فرض‌های ذهنی و به چالش کشیدن آن‌ها یا آشنا شدن با دیدگاه‌های تازه و متنوع شکل می‌گیرد. برای تبدیل این فرصت‌های کوتاه فکر کردن به جزء ثابت فعالیت‌های کلاسی، راه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این راه‌ها برنامه‌ریزی برای سکوت هدفمند است.

هر ۱۵ تا ۲۰ دقیقه بحث را متوقف کنید و از شرکت‌کنندگان بخواهید دو تا سه دقیقه سکوت کنند. این مرحله، فرصتی برای تعمق و بازاندیشی است و طی آن شرکت‌کنندگان باید به حداقل یکی از پرسش‌های زیر فکر کنند (شما به عنوان تسهیلگر، با توجه به جریان کلی بحث یکی از این پرسش‌ها را انتخاب و به آن‌ها اعلام می‌کنید).

- مهم‌ترین موضوعی که طی ۱۵ دقیقه گذشته مطرح شد چه بود؟
- کدام‌یک از مباحثی که طی ۱۵ دقیقه گذشته مطرح شد از همه پیچیده‌تر و گیج‌کننده‌تر بود؟

- چه پرسش یا پرسش‌هایی باید ظرف ۱۵ دقیقه بعدی پوشش داده شود؟
- در ۱۵ دقیقه گذشته کدام دیدگاه یا تفسیر برای شما جدید بود؟
- کدامیک از پیش‌فرض‌های شما طی ۱۵ دقیقه گذشته تأیید شد؟ چرا؟
- کدامیک از پیش‌فرض‌های شما طی ۱۵ دقیقه گذشته به چالش کشیده شد؟ فکر می‌کنید چرا؟

دانشآموزان طی این چند دقیقه سکوت روی کاغذی که در اختیار دارند به سؤال پاسخ می‌دهند. وقتی کار نوشتن تمام شد، تسهیلگر تمام کاغذها را جمع می‌کند و بعضی از آن‌ها را با صدای بلند می‌خواند. این تمرین نه تنها به سازمان یافتن بحث در ۱۵ دقیقه بعدی کمک می‌کند، که تسهیلگر از طریق آن متوجه می‌شود که گفت‌وگویی انجام شده چه معانی و مفاهیمی را در ذهن شرکت‌کنندگان شکل داده است.



[۲]- Brookfield, S. (2012). *Making Discussions Critical, Teaching For Critical Thinking: Tools and Techniques to Help Students Question Their Assumptions* (pp. 183-189). San Fransisco, CA: Jossey-Bass

[۳]- Ceduard Lindeman

[۴]- Chalk Talk

[۵]- Steven Rippe

[۶]-University of St. Thomas

[۱]- تفکر انتقادی معادل عبارت Critical Thinking و به معنای فرآیند اندیشیدن و خردورزی سنجشگرانه است برای این مفهوم در زبان فارسی معادل‌های مختلفی نظری تفکر نقادانه، اندیشه‌ی انتقادی یا سنجش‌گرانه‌اندیشی در نظر گرفته شده است اما عبارت تفکر انتقادی بیش از دیگر معادل‌ها مورد استفاده است. در این فرآیند، فرد اطلاعات و داده‌هایی را که از راههایی گوناگون نظری مشاهده، تجربه، تفکر، استدلال یا ارتباط با دیگران به دست آورده یا خلق کرده، بررسی می‌شود. بررسی اطلاعات به معنی ترکیب و تطبیق و مقایسه‌ی اطلاعات جدید با دانسته‌های پیشین، مفهوم‌سازی بر پایه‌ی اطلاعات و دانسته‌ها و تحلیل و ارزیابی است در مفهوم تفکر انتقادی، «انتقاد» به معنای «سنجدیدن» است و نباید با ایراد گیری اشتباه گرفته شود. تفکر انتقادی ما را در مسیر شکل دادن به اعتقادات و باورهایمان و اتخاذ تصمیم‌های عملی کمک می‌کند و مانند یک راهنمای در این مسیر است. (متترجم)

[۳]- **استفان بروکفیلد**، استاد دانشگاه سنت توماس ایالات متحده و پژوهشگر در زمینه‌ی آموزش بزرگسالان است. این محقق انگلیسی که فعالیت در دانشگاه‌های هاروارد و کلمبیا را هم در کارنامه دارد، ۱۷ کتاب درباره‌ی موضوعاتی چون یادگیری و آموزش بزرگسالان، تفکر انتقادی، روش‌های بحث، نظریه انتقادی و آموزش انتقادی نوشته است. او در کتاب «تدريس برای تفکر انتقادی» بر اساس تجربه‌ای که ظرف ۲۰ سال برگزاری کارگاه‌ها و تدریس دوره‌های آموزشی در حوزه‌ی تفکر انتقادی به دست آورده، این موضوع را بررسی می‌کند که دانشآموزان از چه راههایی و چه طور نقادانه اندیشیدن را فرا می‌گیرند و معلمان برای ارتقای این ظرفیت از چه راههایی می‌توانند به دانشآموزان کمک کنند. او در ابتدای کتاب، تفکر انتقادی را به عنوان یک فرآیند یادگیری باز تعریف می‌کند. تمرکز او در این مسیر بر پرده‌برداری از انگاره‌ها و پیش‌فرض‌های دانشآموزان و بررسی و به چالش کشیدن آن‌ها، کشف دیدگاه‌ها و انگاره‌های دیگر و در نهایت اقدام آگاهانه درباره‌ی آن‌ها معطوف است. (متترجم)

لينك:

http://www.stephenbrookfield.com/Dr._Stephen_D._Brookfield/Home.html



سؤال؟؟

با مدرسه افروز تماس بگیرید
info@afroozschool.org